

This was only the start of the modern world's fascination with emotional intelligence, and only the start of the knowledge and information that has since come into the world. Over time, this is sure to increase, as knowledge always does. Because there have been many more books written on the issue of *what* emotional intelligence is (and because it has been touched on in my past books already), I won't bore you by rehashing it here.

It's enough to say that emotional intelligence *exists* and is a *proven* indicator of success.

"When dealing with people, remember you are not dealing with creatures of logic, but with creatures of emotion." –Dale Carnegie

"No one cares how much you know, until they know how much you care." –Theodore Roosevelt

Two great quotes from two great men, both of whom experienced their success in multiple fields. It should go without saying that emotional intelligence matters regardless of what field you're in.

In business, it can help you to create a more productive workforce. A team who understands and relates to your goals is going to go that much further for you than one who does not. Potential business partners and deals become much easier to negotiate if you can find a way to connect with these people on an emotional level. At a more basic level, even applying for a job becomes a simpler process if you are able to read and connect with the interviewer.

ترجمه:

و این، آغازِ شیفتگی جهان مدرن نسبت به مقوله هوش هیجانی، و تنها شروعی برای دانش و اطلاعات در این زمینه بود که از آن زمان تاکنون برای جهانیان آشکار گردیده است. یقیناً به مرور زمان، اطلاعات در این زمینه نیز با پیشرفتِ دانش، دستخوش رشد و افزایش خواهد شد. چراکه بسیاری کتب درباره این مسئله به رشته تحریر درآمده‌اند که اساساً هوش مصنوعی چیست (و چون من در کتب پیشین خود به این مقوله پرداخته‌ام)، با تکرار مکرر این مقولات در اینجا، خواننده را ملول و خسته نمی‌کنم. فقط در اینجا کافی است گفته شود که هوش هیجانی وجود دارد، و اینکه نشانه اثبات شده موفقیت است.

"وقتی با مردم سر و کار دارید، به خاطر داشته باشید که سر و کارتان با مخلوقاتی منطقی نیست؛ بلکه با موجوداتی سر و کار دارید که احساسی هستند."

- دیل کارنگی

"هیچ کس اهمیت نمی‌دهد که تا چه اندازه می‌دانید، تا آنکه ایشان درمی‌یابند که چه اندازه اهمیت می‌دهید."

- تئودور روزولت

در اینجا، دو بازگویی شگرف از دو مرد بزرگ ارائه شد که موفقیت در چندین عرصه را تجربه کرده‌اند. لازم به ذکر نیست که هوش هیجانی، فارغ از آنکه در زمینه چه رشته‌ای فعالیت دارید، حائز اهمیت است.

هوش هیجانی در عرصه کسب و کار می‌تواند به شما کمک کند تا نیروی کاری پُربارتی فراهم آورده؛ و تیمی از کسانی تشکیل دهید که اهداف شما را درک کرده و با آنها تفاهم دارند؛ زیرا چنین تیم کاری، بالتبع تا جایی در راستای اهداف شما گام خواهد برداشت که هیچ فرد دیگری آنگونه عمل نخواهد کرد. به این ترتیب، اگر شما بتوانید در سطح هیجانی با افراد ارتباط برقرار کنید، مذاکره درباره قراردادها و شرکای کاری بالقوه به مراتب آسانتر خواهد شد. حتی در یک سطح بنیادی‌تر، وقتی بتوانید مصاحبه‌کننده را درک کرده و با وی رابطه برقرار کنید، درخواست شغلی به فرآیندی ساده‌تر تبدیل می‌شود.